**نامه سرگشاده زنان ایرانی و افغانستانی، رهبران جهانی زن، حقوقدانان بین‌المللی، که از جامعه بین المللی می‌خواهند جرم آپارتاید جنسیتی را به رسمیت شناختن بشنساند**

ما، ائتلاف متنوعی از فعالان بین‌المللی حقوق زن، حقوقدانان بین‌المللی، رهبران زن ایرانی و افغانستانی و دیگر افراد ذینفع، از دولت‌ها می‌خواهیم جرم آپارتایدجنسیتی را به رسمیت بشناسند و با سیستم آپارتایدجنسیتی در جمهوری اسلامی ایران و افغانستانِ تحت سلطه طالبان مقابله کنند و نهایتا به آن پایان دهند.

جمهوری اسلامی ایران و طالبان در افغانستان، به دلیل نوع برخوردشان با زن‌ها به عنوان شهروند درجه دوم، در قوانین و در سیاستها، رژیم‌های آپارتایدجنسیتی تعریف می‌شوند. با این حال استانداردهای «آپارتاید» در قانون بین‌المللی، در وهله نخست در قرن بیستم و به منظور برخورد با آپارتاید نژادی شکل گرفتند.

آپارتاید از واژه آفریکانس (زبان آفریقای جنوبی) «apart»  گرفته شده که به معنای جدا شدن و جدا کردن است. این واژه از رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و سیستم جداسازی و تبعیض نژادی آن برآمده است که هدفش برقراری و تداوم سلطه سفیدپوستان آفریقای جنوبی را بر سیاهپوستان آن کشور بود. سیستمی که در نهایت با دهه‌ها فشار و انزوا از سوی مهره‌های بین‌المللی، با بی‌آبرو کردن و قطع رابطه دیپلماتیک و اقتصادی، به پایان رسید.

اجزای آپارتاید، یعنی جداسازی و انقیاد سیستماتیک، با تمایز شکلی با آپارتاید در آفریقای جنوبی، در افغانستان و ایران هم وجود دارد. از نظر شکلی ب تعریف کنونی آپارتاید شامل وضعیت افغانستان و ایران نمی‌شود، اما از نظر توصیفی درست است. زنان در افغانستان تحت سلطه طالبان از تحصیل، استخدام در مراکز دولتی و غیردولتی و سفر طولانی بدون همراه مرد منع شده‌اند و در عین حال باید به قانون پوشش سخت‌گیرانه نیز پایبند باشند. در جمهوری اسلامی نیز زنان از تحصیل در رشته‌ها و مشاغل خاص، حضور در ورزشگاه‌ها و گرفتن پاسپورت و سفر خارج از کشور بدون اجازه همسرشان منع شده‌اند. ارزش جان زنان و شهادتشان در قانون نصف مردان است و نیز ناگزیرند قوانین حجاب اجباری را نیز بپذیرند. هدف نظام قضایی از اعمال چنین ممنوعیت‌هایی برقراری و تداوم سلطه مردان و حکومتها بر زنان است. همچنین نقض این قوانین تبعیض‌آمیز می‌تواند به خشونت، زندان و مرگ بی‌انجامد.

با توجه به محکوم شدن دولت آپارتاید آفریقای جنوبی از جانب جامعه جهانی، زنانی که در ایران و افغانستان زندگی می‌کنند نیز برای پایان‌دادن به سیستم آپارتایدجنسیتی که به آنها تحمیل شده، خواهان پاسخ بین‌المللی مشابهی از جانب جامعه جهانی هستند.

برای اینکه به طور کامل بتواند خیزش زن-رهبر ایران را به اهدافش برساند و همچنین حامی ایستادگی و مقاومت شجاعانه زنان افغان باشد که حقوقشان را با خشونت گرفته‌اند، جامعه جهانی باید آسیب سیستمی که در قانون گنجانده شده، و در آن با زنان مانند شهروند درجه دوم برخورد می‌شود، را به درستی تشخیص دهد و نه تنها با محکوم کردن آن، بلکه با اقدامات موثر و هماهنگ آن را به رسمیت بشناسد.

وضعیت در جمهوری اسلامی ایران و در افغانستان تحت سلطه طالبان، تنها به تبعیض جنسیتی محدود نیست؛ بلکه این رژیم‌ها یک جنگ افراطی‌تر، سیستماتیک‌تر و ساختاری‌تر را علیه زنان نهادینه کرده‌اند که برای سلب انسانیت و سرکوب هرچه بیشتر آنها و با هدف تثبیت قدرت طراحی شده است.

خواسته اصلی ما از دولت‌ها:

- بازتاب دادن و تمرکز بر تجربیات زنانی است که در ایران و افغانستان تحت آپارتاید جنسیتی زندگی می‌کنند؛

- صدور بیانیه و قطعنامه و شکل دادن به پاسخ‌های سیاسی مبنی بر محکوم کردن نظام آپارتاید جنسیتی در ایران و افغانستان؛ و

- تعبیر/گسترش تعریف حقوقی آپارتاید در قوانین بین‌المللی و ملی برای گنجاندن اشکال شدید تبعیض جنسیتی نهادینه‌ شده.